

Comparative aesthetics of the language of humor in Golestan Saadi and Tolly details

Gholamreza Salimi *

Student of Islamic Azad University, Shiraz
Branch*

Zahra Rafiei

Associate Professor Islamic Azad University,
Shiraz Branch

Alireza Biaban Navard Sarvestani Assistant Professor, Political Science
Department, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

Abstract

Al-Tafasil is one of the most famous works of contemporary satire that conveys critical-political concepts to its audience through paradox. This book, unlike other works in this field, which usually have a specific date of use, is still fascinating and sweet. Most of the beauty of this work is related to its language. According to most critics, the language of detail is strongly influenced by the language of Golestan. From a linguistic point of view, the aesthetics of Saadi's language is a pleasant combination of the external and internal beauties of language. Now, the question is: what has Tolly benefited from the beauties of Saadi's language in conveying political-critical concepts, whose humor is still fascinating? This article examines the linguistic elements in the book of details by combining structuralist linguistics and role-oriented linguistics and using a descriptive-analytical method. The results of the research indicate that Tolly did not understand the inner beauties of Saadi language in detail, therefore he could not use its features, but he understood the external aesthetics of Golestan language well and used it in creating beauties. Used the language of details. The most important manifestations of this type of aesthetics in language games are the application of the elements of rhetoric, rhetorical and semantic novelty.

Keywords: language of humor, aesthetics, details, Golesta

*Corresponding Authors: Qolamreza.salimi@gmail.com

زیبایی‌شناسی زبان طنز التفصیل تولّی با تأکید بر گلستان سعدی

غلامرضا سلیمی* | دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز

زهرا رفیعی | دانشیار، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

علیرضا بیابان نورد سروستانی استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی،

شیراز، ایران

چکیده

التفصیل یکی از معروف‌ترین آثار طنز معاصر است که از طریق نقیضه‌پردازی مفاهیم انتقادی-سیاسی را به مخاطبان خود منتقل می‌کند. این کتاب بر خلاف آثار دیگر این حوزه که معمولاً تاریخ مصرف مشخصی دارند، هنوز جذاب و شیرین است. به نظر می‌رسد؛ بخش عمده‌ای از زیبایی‌های این اثر به زبان آن مربوط است. به باور اغلب منتقدین، زبان التفصیل به شدت تحت تأثیر زبان گلستان سعدی است. از منظر نقد جدید، جمال‌شناسی زبان سعدی در تلفیق دلنشین زیبایی‌های برونه و درونۀ زبان ایجاد شده است. حال، پرسش این است: تولّی در انتقال مفاهیم سیاسی-انتقادی از زیبایی‌های زبان سعدی چه بهره‌ای برده که طنزش هنوز جذاب است؟ برای رسیدن به پاسخ مناسب، ابتدا مبانی نظری مهمی چون: زیبایی‌شناسی برونه و درونۀ زبان تبیین شده؛ سپس زیبایی‌شناسی گلستان سعدی در دو حوزه برونه و درونۀ زبان شناسایی شده و در ادامه زیبایی‌های کتاب التفصیل در این دو حوزه به روش توصیفی-تحلیلی مورد مطالعه تطبیقی با گلستان قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد؛ تولّی در خلق التفصیل زیبایی‌های درونۀ زبان سعدی را چندان درک نکرده، به همین دلیل نتوانسته از ویژگی‌های آن بهره‌برد اما زیبایی‌های برونۀ زبان گلستان را به خوبی دریافته و از آن در خلق زیبایی‌های زبان التفصیل استفاده نموده است. بنابراین زیبایی‌شناسی التفصیل به شکل معناداری به سوی زیبایی‌های برونۀ زبان گرایش پیدا کرده که مهم‌ترین نمودهای این نوع زیبایی‌شناسی در بازی‌های زبانی، کاربرد عناصر علم بیان، بدیع لفظی و معنایی به چشم می‌خورد.

کلیدواژه: زبان طنز، زیبایی‌شناسی، التفصیل تولّی، گلستان سعدی.

مقدمه

جهان نظام احسن است و بر مدار تعادل می چرخد. انسان‌های بزرگی برای حفظ این تعادل تلاش کرده‌اند. در این میان، گروهی نیز با ذات اهریمنی خویش سعی کرده‌اند تا این تعادل را به هم بزنند. هنرمندان بیشتر از دیگران متوجه این آشفتگی شده و به طرق مختلف سعی کرده‌اند تا دیگران را نیز آگاه کنند. یکی از روش‌های اثرگذار هنرمندان برای نشان دادن این پریشانی‌ها طنزنویسی است. طنز فاخر، طنزی است که ابتدا مخاطب را به خنده وا می‌دارد؛ بعد وی را عمیقاً به فکر فرو می‌برد؛ سپس با پی‌بردن به مقصود نویسنده، قلبش به درد می‌آید. اولین مواجهه مخاطب در چنین اثری، مواجهه با زبان است. اگر زبان جذاب باشد، ذهن مخاطب را درگیر موضوع طنز می‌کند، و گرنه خواننده در همان آغاز، مطلب را رها می‌کند. از این‌رو، «زبان، هستی ادبیات و همه دنیاى آن است.» (بارت، ۱۳۹۲)

خلاقانه‌ترین آثار زبان فارسی وقتی به تکامل رسیده که طنز و زبان ملازم هم، کزی‌های نظام احسن را به بهترین شکل به تصویر کشیده است. «طنز خنده‌ناکی در شیوه بیان است نه در مسائلی که بیان می‌شود.» (شریعتی، ۱۳۸۲) در این راه سعدی موفق‌تر از همه است. وی با طنزهای دلنشین، قدرت ابلاغی-بلاغی زبان را به رخ کشیده و آنها را ترغیب به نظیره‌نویسی نموده است. از گذشتگان ادب فارسی جامی، عیب‌زاکانی و... دست به این کار زده و نامشان را از طریق گلستان سعدی جاودانه کرده‌اند. از متأخرین نیز افرادی چون: قانانی، حکیم قاسمی کرمانی، میرزا ابراهیم خان تفرشی و فریدون توللی از طریق نقیضه‌پردازی دست به خلق اثر زده‌اند. در میان آنها توللی با کتاب التفصیل بیشتر از همه، نظر پژوهشگران را به خود جلب کرده است. از این‌رو، مطالعه زبان التفصیل به عنوان یک اثر هنری ضروری به نظر می‌رسد.

۱. بیان مسأله

با توجه به توضیحات بالا مشخص می‌شود که مسئله اصلی این تحقیق، زیبایی‌شناسی زبان التفصیل با تأکید بر زیبایی‌شناسی گلستان سعدی است. آیا توللی تحت تأثیر گلستان سعدی توانسته به زبان التفصیل نقش ابلاغی-بلاغی ببخشد و از طریق آن مفاهیم انتقادی، سیاسی و اجتماعی را به مخاطبان خود منتقل نماید؟ بنا به نظر بزرگانی چون: بهار، شفیع‌ی کدکنی، اخوان و... کتاب التفصیل یکی از برجسته‌ترین آثار حوزه طنز فارسی است که هنوز برای مخاطبان شناخته شده نیست. با توجه به این نوع اظهار نظرها احتمال می‌رود که در آینده‌ای نزدیک، این اثر الگویی برای خلق آثار طنز قرار گیرد. از آنجایی که تحقیقات پیش از این، اغلب به ویژگی محتوایی و نقیضه‌پردازی التفصیل

پرداخته و به ابعاد دیگر این اثر به ویژه زبان آن چندان توجه نکرده‌اند، انجام این پژوهش ضروری به نظر می‌رسد تا بخش مهمی از مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی آن که مربوط به زبان است، کشف گردد.

۲. پیشینه تحقیق

یکی از دستاوردهای ادبی دوران مشروطه، طنزهای ماندگار است. یکی از آنها کتاب التفصیل فریدون توللی (۱۳۳۱) است که با سبک و زبان خاص، نظر بزرگان را به خود جلب کرده است. «استاد ملک الشعراء بهار که در این سال‌ها صدرنشین بلامنازع شعر و فرهنگ ایران بود، ضمن نامه‌ای طنز فریدون و ظرافت ذوق او را ستود». (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱) شفیی کدکنی بر این باور است که توللی در حوزه طنز پایگاه والایی دارد. «اگر روزی موانع سیاسی موجود رفع شود و تاریخ طنز به درستی بررسی شود و چهره‌های برجسته و سرآمد آن معرفی شوند، صاحب التفصیل از جمله صدرنشینان این محفل است». (همان: ۵۰۴) از آنجایی که وی به زبان و رستاخیز کلمات در خلق ادبیات توجه ویژه‌ای دارد، می‌توان حدس زد که بخش مهمی از زیبایی‌های التفصیل به زبان آن مربوط می‌شود که تاکنون چندان مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است.

اخوان ثالث (۱۳۷۶) در کتاب *نقیضه و نقیضه پردازی* بر این باور است که «التفصیل از نظر ادبی بسیار خلاقانه نوشته شده است». (اخوان ثالث، ۱۳۷۶) این اظهار نظر نشان می‌دهد که زبان التفصیل زبان فاخری است. یکی از دلایلی که نوشتن این مقاله را توجیه می‌کند، نظر اخوان ثالث است. وی بر این عقیده است که التفصیل آن چنان که باید نزد عامه اهل ادب شناخته و معروف نیست و قدر آن نزد عموم جامعه، مجهول است. حسن جوادی (۱۳۸۴) در کتاب *تاریخ طنز در ادبیات فارسی توللی* را در شمار طنزپردازان پس از مشروطیت قرار می‌دهد و ریشخند و نیشخند التفصیل را بیش از جنبه ادبی آن مورد توجه قرار می‌دهد. موسوی گرمارودی (۱۳۸۰) که التفصیل را از نظر ادبی، اثری ارزشمند می‌داند، بر این باور است که «تاریخ مصرفی بودن موضوعات آن موجب کم توجهی اهل ادب بدان شده است». (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۰) علی بابا چاهی (۱۳۸۰) در *بانگ دل‌اوز، با توجه به کنایات هنری، طنز التفصیل* را با طراوت‌تر از *طنز کاروان* می‌داند. عبدالعلی دستغیب (۱۳۶۷) در «فریدون توللی و آثارش» بیشتر به ابعاد اجتماعی، سیاسی التفصیل نظر دارد و زبان طنز آن را «مثل شلاق می‌داند که بر پیکر جریان استعمار و قدرت حاکمه فرود آمده است». (دستغیب، ۱۳۶۷) با وجود این، درباره زبان آن توضیحی بیشتر از این نمی‌دهد. مهدی پرهام و محمد رضا تبریزی (۱۳۷۰) نیز در ویژه‌نامه توللی به تأثیر اجتماعی و سیاسی طنزهای التفصیل نظر دارند. غلامعلی فلاح قهرودی و زهرا صابری تبریزی (۱۳۸۹) در مقاله «نقیضه و پارودی»، التفصیل را یک

نوع نقیضه می‌دانند. علیرضا باوندیان (۱۳۸۸)، نویسنده مقاله «بررسی ماهیت و شیوه‌های طنز در فرهنگ مکتوب ایران» التفصیل را یک نوع سجایانویسی معرفی کرده که به تقلید از طنزهای سعدی نوشته شده است. امید گارگری (۱۳۸۸) در مقاله «التفصیل نقیضه گلستان» اصول نقیضه‌سازی التفصیل را با توجه به گلستان سعدی بررسی کرده است. مهم‌ترین نکته این مقاله توجه به سجع‌های التفصیل و گلستان است.

بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که اغلب آثاری که درباره التفصیل نوشته شده، به محتوا و نقیضه پردازی آن پرداخته‌اند و زبان به عنوان مهم‌ترین عنصر زیبایی‌آفرین و ادبیت، مورد غفلت واقع شده است. از آنجایی که این اثر تحت تأثیر گلستان سعدی بوده، نویسنده این مقاله تلاش کرده تا با توجه به زیبایی‌های زبان طنز گلستان، مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی زبان التفصیل را استخراج نماید تا به قول شفیع کدکنی، راز سرآمد بودن آن را شناسایی کند.

۳. روش^۱

در این مقاله زیبایی‌های کتاب التفصیل در دو حوزه زیبایی‌های درونه و برونه زبان به روش توصیفی - تحلیلی مورد مطالعه تطبیقی با گلستان قرار گرفته است. برای هر کدام از مؤلفه‌های به دست آمده، از روش استقرایی ناقص استفاده شده و از دو کتاب گلستان و التفصیل شاهد مثال آورده شده است.

۴. یافته‌ها

۴-۱. زیبایی‌شناسی درونه و برونه زبان در گلستان سعدی و التفصیل توللی

با ظهور اندیشمندانی مانند: عبدالقاهر جرجانی چینش هنری واژگان، ترکیب کلمات و علم النحو مورد توجه بیشتری قرار گرفت. این نگرش باعث شد تا در حوزه زبان فارسی آثاری خلق گردد که زیبایی آنها اغلب بر درونه زبان استوار بود. این نگرش تا قرن پنجم ادامه داشت. با آغاز قرن ششم نگاه‌ها از درونه زبان به برونه زبان افتاد. اندیشمندان و نویسندگان چه در نقد و چه در خلق به تزئین ظاهری زبان گرایش یافتند. در این میان، سعدی با کتاب گلستان در نقطه اوج و اعتدال این دو نوع زیبایی‌شناسی قرار دارد. سعدی با توجه به عمق زیبایی‌های زبان قرآن کریم و زیبایی‌شناسی زبان نثر مرسل از طریق ترکیب و چینش هنری کلمات، زیبایی‌های درونه زبان گلستان را رقم زد و از طریق

¹. method

توجه به زیبایی‌های نثر فنی زبان فارسی و عربی به زیبایی‌شناسی برونه زبان دست یافت و با آمیزش دل‌انگیز این دو نوع زیبایی توانست کتاب بی‌نظیری چون گلستان را خلق کند. از این‌رو، نویسندگان زیادی در دوره‌های مختلف به نقیضه‌پردازی از آن دست زده‌اند. در دوره معاصر نیز اندیشمندان زیادی با بهره‌مندی از نقد جدید، زیبایی‌های آثار فارسی را مورد نقد و بررسی قرار دادند و موجب توجه عمیق نویسندگان معاصر به فرم و زبان آثار کلاسیکی چون: گلستان و تاریخ بیهقی شدند. یکی از مؤثرترین آنها، حق‌شناس بود. یکی از خدمات ماندگار وی به تحقیقات ادبی، مطرح کردن دو اصطلاح مهم «زیبایی‌های برونه و درونه زبان» در مقاله فاخر «آزادی و رهایی در زبان و ادبیات» است. حق‌شناس تحت تأثیر زبان‌شناسان ادیب‌مکتب فرمالیسم، زیبایی‌شناسی آثار فارسی را به دو گروه عمده تقسیم کرد. گروه اول زیبایی‌های برونه زبان است و گروه دیگر شامل زیبایی‌شناسی در درونه زبان می‌شود.

۴-۱-۱. درونه زبان: حق‌شناس درونه زبان را چنین تعریف کرده است: «درونه زبان متشکل از کلیه ساخت‌های معنایی و ارجاعی زبان همراه با همه ویژگی‌های متنی، موقعیتی، تاریخی و فرهنگی است که دامنه آنها به برونه‌زبان و جنبه‌های صورتی آن کشیده نمی‌شود.» ((حق-شناس، ۱۳۸۳) از مهم‌ترین مصداق‌ها و مؤلفه‌هایی که درونه زبان را زینت می‌بخشد و بعد هنری آن را تقویت می‌کند، جای‌گردانی نحوی کلمات در ساختار جمله است که موجب فراهم شدن ایجاز، توازن‌های نحوی، دلالت‌های ثانویه در ساختار متن می‌شود. آیا زیبایی‌های زبانی التفصیل بر دوش این بعد زبان است؟ از آنجایی که نمونه‌های اعلای این نوع زیبایی‌ها در گلستان سعدی فراوان است، این پژوهش تلاش خواهد کرد تا به کمک زیبایی‌شناسی درونه زبان گلستان به این پرسش پاسخ دهد و کیفیت زیبایی‌های درونه زبان التفصیل را مشخص کند.

۴-۱-۲. برونه زبان: توجه به برونه زبان زمانی رونق گرفت که نگرش زیبایی‌شناختی ایرانیان تغییر یافت. در دوره نثر فنی، نگارش‌ها خصلت ابزاری یافت و فرم به خدمت درون‌مایه ایدئولوژیکی زمانه خویش درآمد و ادبیات فارسی از دموکراسی زبان و رهایی به زینت‌های برونه زبان رسید و نثر تزئینی شد. نوشته‌ها طبقاتی شدند و ادبیات به طور مستقیم در سیطره کسانی قرار گرفت که در دایره قدرت قرار داشتند. بدین ترتیب ادبیات از وادی آزادی و رهایی به اسارت درآمد و نگاه زیبایی‌شناسانه نیز طبقاتی و منفعت‌طلبانه شد و زیبایی از درونه زبان به برونه زبان افتاد. اگر برونه زبان را ساخت‌های آوایی و صرفی همراه با تمامی گوناگونی تاریخی و گویشی که دامنه آنها به صورت-های زبانی محدود شود، تلقی کنیم؛ بخشی از زیبایی نثر التفصیل مبتنی بر برونه زبان خواهد بود. سهم این نوع زیبایی‌شناسی در انتقال مفاهیم سیاسی-انتقادی چقدر است؟ در ادامه تلاش می‌شود

تا نقش زیبایی‌های برونه زبان التفصیل با بهره‌مندی از زیبایی‌شناسی برونه زبان گلستان مشخص گردد.

۴-۲. زیبایی‌شناسی التفصیل در درونه زبان با تأکید بر زیبایی‌های گلستان

مؤلفه‌های فراوانی هستند که زیبایی‌های درونه زبان را در متون طنز شکل می‌دهند. یکی از آنها بلاغت نحوی است. «بلاغت در مفهوم وسیع خود، ارتباط زبان با جهان و زندگی است» (پور نامداریان، ۱۳۸۸) در نثرهای ادبی، بلاغت نحوی با انتخاب شگفت‌انگیز جایگاه کلمات شکل می‌گیرد و از قواعد معنایی رایج خارج می‌شود تا ظرفیت بالایی برای ابلاغ بلاغی پیام ایجاد کند. بدین طریق در این آثار ارتباط زیبایی شناختی زبان و زندگی آغاز می‌شود. زبان در نظر جرجانی مجموعه‌ای از روابط است نه مجموعه‌ای از کلمات. «وقتی ما در امر فصاحت و بلاغت صحبت می‌کنیم، کاری به معانی مفرد نداریم، بلکه منظور نظر ما احکامی است که به جهت ترکیب کلمات پدید می‌آید» (جرجانی، ۱۳۶۸) بنابراین بخش عمده‌ای از ادبیت، آشنایی زدایی، برجسته‌سازی و زیبایی‌آثاری مثل گلستان سعدی، محصول ترکیب هنری واژگان است که از طریق علم معانی محقق شده است. آیا در کتاب التفصیل هم این ویژگی‌ها وجود دارد؟ برای رسیدن به پاسخ، زیبایی‌های درونه زبان گلستان را با درونه زبان التفصیل مقایسه می‌کنیم. یکی از مؤلفه‌های مهمی که درونه زبان گلستان را زیبا کرده، ایجاز است. در ادامه مؤلفه ایجاز را در دو اثر مذکور بررسی می‌کنیم تا زیبایی التفصیل در این حوزه مشخص گردد.

۴-۲-۱. ایجاز

«ایجاز به طور کلی بیان معانی بسیار در کلام اندک است.» (شیرازی، ۱۳۷۷) عواملی که منجر به تولید جمله‌های کوتاه می‌شوند، فراوانند. یکی از دلایل زیبایی‌شناسی جمله‌های کوتاه، در گلستان گرایش به ایجاز قصر است. نویسنده بی‌آنکه عنصری از جمله را حذف کند، آن را چنان فشرده می‌کند که به جمله‌های قصار می‌ماند. برای رسیدن به این نوع جمله‌ها آرایش کلام بسیار اهمیت دارد. نویسنده بی‌آنکه کلمه‌ای بر جمله بیفزاید، برخی از مفاهیم ثانویه را بر دوش ساختار جمله می‌گذارد. گلستان دارای چنین اعجاز و ایجازی است. آیا التفصیل هم دارای چنین خصلتی است؟ برای رسیدن به جواب این پرسش، ایجاز را در دو حکایت مشابه از دو کتاب گلستان و التفصیل مورد بررسی قرار داده‌ایم. برای اندازه‌گیری طول جمله‌ها، ابتدا تعداد کلمات هر حکایت شمارش شده، سپس تعداد کلمات بر تعداد افعال تقسیم گردیده تا میزان طول جمله‌ها به دست آید.

حکایت اول از گلستان سعدی: «منجمی به خانه درآمد. مردی بیگانه دید با زن او به هم نشست. دشنام داد و سقط گفت و در هم افتادند و فتنه و آشوب برخاست. صاحب دلی بر آن واقف شده، گفت:

تو بر اوج فلک چه دانی چیست که ندانی که در سرای تو کیست؟

(سعدی، ۱۳۸۱)

حکایت اول از التفصیل: «منجمی در کواکب می‌نگریست. معلّمی در سرداب زیج با همسر وی در آمیخت. چندان که هر سه فراغت یافتند. معلّم منجم را گفت: تو را که تفحص مریخ می‌کردی، در جوار چه گذشت؟ گفت: زحل و مشتری قران شدند» (تولّی، ۱۳۳۱)

حکایت دوم از گلستان: «یاد دارم که شبی در کاروانی همه شب رفته بودم و سحر در کنار بیشه‌ای خفته. شوریده‌ای نعره بر آورد و راه بیابان گرفت و یک نفس آرام نیافت. چون روز شد، گفتم: این چه حالت بود؟ گفت: ببلان را شنیدم که به نالش درآمده بودند از درخت و کبکان در کوه و غوکان در آب و بهایم در بیشه؛ اندیشه کردم که مروّت نباشد همه در در تسییح و من به غفلت خفته...» (سعدی، ۱۳۸۱)

هرچند حکایتی که در زیر می‌آید، نقیضه کاملی از گلستان سعدی نیست اما شباهت‌های ساختار زبان و کوتاهی جمله‌های آن را می‌توان با حکایت بالا مقایسه کرد و تأثیر ایجاز زبان سعدی را بر زبان طنز تولّی احساس کرد.

حکایت دوم از التفصیل: «در آن زمان که از جهت تشرف به حضور خلیفه زمان، المجدوم بالله، به بغداد شدم، خلیفه را خوره‌ای مدهش طاری پیکر بود. چندان که به محضر وی شتافتم و از طریق اضطرار گونه‌اش ببوسیدم. سوزشی عجیب بر نوک بینی افتاد، بدان پایه که اشکم چونان سیل خروشان بر پای ریخت و توانم از کف برفت. خلیفه را دل به رقت آمد و از جهت تشفی خاطر به بوسه‌ای دیگرم بنواخت. چندان که تماس لبانش احساس نمودم و صفیر بوسه‌اش بشنیدم، کاسه سرم همچون دیگ جوشان بجوشید و فریادم بر آسمان شد. خلیفه آهنگ بوسه ثالث کرد که مرا تاب نماند و گفتم: یا امیرالمومنین مرا به خیر تو امید نیست، شرّ مرسان...» (تولّی، ۱۳۳۱)

جدول شماره ۱- میزان طول جمله در هر کتاب

نام کتاب	حکایت اوّل گلستان	حکایت اوّل التفصیل	حکایت دوم گلستان	حکایت دوم التفصیل
تعداد کلمات	۳۴ کلمه	۳۸ کلمه	۶۶ کلمه	۱۱۳ کلمه
تعداد افعال	۱۳ فعل	۸ فعل	۱۹ فعل	۱۸ فعل
متوسط کلمات هر جمله	۳/۴ کلمه در هر جمله	۴/۸ کلمه در هر جمله	۳/۲ کلمه در هر جمله	۶/۲ کلمه در هر جمله

بررسی حکایت‌های این دو کتاب، بیانگر کوتاهی جمله‌های گلستان سعدی نسبت به جمله‌های التفصیل تولّی است. با توجه به آمار به دست آمده، می‌توان گفت که نثر سعدی بسیار موجز است و تولّی کمتر توانسته از این ویژگی گلستان سعدی نقیضه‌پردازی کند. از این رو، شتاب نثرش نسبت به نثر گلستان بسیار کمتر است و تحرّک زبانش کندتر. نمونه زیر بیانگر تفاوت ایجاز در دو کتاب است. به عنوان مثال تولّی فعل برسیلم را با «چندان که پای به درون نهادم» عوض کرده و جمله طولانی‌تر شده است.

نمونه‌ای از گلستان: «چون برسیدم، بوی گلم چنان مستم کرد که دامنم از دست برفت» (سعدی، ۱۳۸۱)

نمونه مشابه از التفصیل: «چندان که پای به درون نهادم، بوی کبابم چنان مست کرد که نیزه‌ام از دست بیفتاد» (تولّی، ۱۳۳۱)

مؤلفه دیگری که در کوتاهی جمله‌ها تأثیرگذار است، ایجاز حذف است. در کتاب گلستان ایجاز حذف زمانی ایجاد می‌گردد که از ساختار جمله، اجزایی به قرینه و یا بدون قرینه حذف گردد. حذف عناصر جمله در گلستان اغلب به قرینه لفظی و معنوی صورت می‌گیرد. در این نوع جمله‌ها حذف موجب می‌شود تا نثر از طریق قاعده‌گاهی برجسته گردد. این ویژگی در حقیقت یک نوع هنجارگریزی نحوی هم به حساب می‌آید. در التفصیل اغلب حذف‌ها به قرینه لفظی صورت می‌گیرد اما در گلستان بیشتر از حذف به قرینه معنوی بهره برده شده است. «این همان شیوه‌ای است که در نثر پهلوی نیز دیده می‌شود، به حدی که اگر یک کلمه از عبارت حذف شود، موجب فساد جمله و اخلال مطلب خواهد بود.» (بهار، ۱۳۸۱)

نکته دیگری که ایجاز را در این التفصیل کم‌رنگ کرده، استفاده از تشبیه است. در کلام سعدی اغلب تشبیهات از نوع اضافه تشبیهی است اما در نثر التفصیل از تشبیهات مفصل بیشتر استفاده شده

است. در حکایت کوتاه بالا دو مورد از این تشبیهات دیده می‌شود که بر طول جمله‌ها افزوده و نثر تولگی را طولانی‌تر نموده است. مورد دیگری که نشان می‌دهد، تولگی در نقیضه‌پردازی به زیبایی - های درونۀ زبان سعدی توجّه چندانی نداشته، استفاده دگرگونه از حرف «واو» است. سعدی اغلب از حرف واو به شکل حرف ربط بهره برده و از این طریق به نثرش شتاب بخشیده و موسیقی زبان را تقویت نموده است اما تولگی از این حرف، اغلب به صورت حرف عطف استفاده نموده و همین نکته موجب طولانی شدن جمله‌های التفصیل شده است.

نمونه‌های زیر بیانگر این نکته بلاغی است. «جدام را قدرت اکل بدان پایه است که به سالی چند تسمه از گرده بیمار برکشد و گوشت و پوست و عروق و شرائین و عضلات و اعصاب وی به تمامی بخورد...» (تولگی، ۱۳۳۱) حال به نمونه کاربرد حرف واو در گلستان دقت کنید تا یکی دیگر از عوامل زیبایی درونۀ زبان سعدی روشن شود. «فلان انبازم به ترکستان است و فلان بضاعت به هندوستان و این قبالة فلان زمین است و فلان مال را فلان کس ضمیم..... گوگرد پارسی خواهم بردن به چین که شنیدم عظیم قیمتی دارد و از آن جا کاسه چینی به روم آورم و دیبای رومی به هند و فولاد هندی به حلب و آلگینه حلبی به یمن و برد یمانی به پارس و از پس ترک تجارت کنم و به دکانی بنشینم....» (سعدی، ۱۳۸۱)

این نکات بیانگر آن است که هر چند تولگی در نقیضه‌پردازی به گلستان نظر داشته اما از زیبایی - های درونۀ زبان آن نتوانسته آن طور که باید و شاید بهره برد. از این رو، کلام تولگی با گذشت زمان رنگ کهنگی به خود گرفته و کلام سعدی هم چنان زنده و پویاست. شاید یکی از دلایل سهل ممتنع بودن کلام سعدی در همین نکته بلاغی است که ذکر آن رفت.

۴-۲-۲. توازن‌های نحوی

«هرآنچه که بر اثر تکرارهای انتظام یافته، برونه و درونۀ زبان را تشخیص بخشد، توازن است. اگر در برونۀ زبان اتفاق افتد، توازن از نوع آوایی و واژگانی است و اگر در درونۀ زبان رخ دهد و واژه‌های متفاوت را در ساخت‌های مشابه و مکرر برجسته نماید، توازن نحوی است. در ادبیات اصیل ساخت - های نحوی است که متوازن می‌شوند و درونۀ زبان را جلا می‌بخشند. هر گاه توازن نحوی در نقطه تلاقی علم بیان، بدیع و معانی اتفاق افتد، زیبایی به اوج خود می‌رسد.» (وثاقتی جلال، ۱۴۰۰) بهترین نمونه‌های نثر فارسی که از توازن نحوی برخوردار است، متعلق به نثر گلستان است. سعدی در روایت حکایت‌ها از چنین شگرد زبانی بسیار استفاده کرده است. در این حکایت‌ها حضور هم‌زمان عناصر بدیع، بیان و معانی منجر به بلاغتی چند لایه در درونۀ زبان شده که خواننده از مکاشفۀ زیبایی‌های

آن به شهود و التذاذ نایل می‌گردد. «مکاشفه و شهود، عین درک زیبایی و هنر است.» (کروچه، ۱۳۹۳) آیا تولگی در نقیضه‌پردازی از گلستان به این نوع زیبایی‌های درونۀ زبان توجه داشته است؟ رجوع به نمونه‌هایی از دو اثر، آن را روشن خواهد کرد.

نمونه اول از گلستان: «آن که زاهد است، نمی‌ستاند و آن که می‌ستاند، زاهد نیست... اگر نان از بهر جمعیت خاطر می‌ستاند، حلال است و اگر جمع از بهر نان می‌نشیند، حرام.» (سعدی، ۱۳۸۱) «اندکی در وظیفه او زیادت کرد و بسیاری از ارادت کم...» «عنان طاقت درویش از دست رفته و درهای آسمان بر زمین بسته و فریاد اهل زمین به آسمان پیوسته» (همان: ۱۱۳)

نمونه دوم از التفصیل: «از آنجا که تعلل در علاج، نفس جنایت است و موروث ندامت، فی الفور راه صحیۀ بغداد پیش گرفتیم... چه‌ها که دیدم و چه‌ها که کشیدم... دستگاهی دیدم درهم‌تر از جبین لثیمان و آشفته‌تر از بخت سیه-بختان... چندان که رئیس در خورۀ جبین من نگریست، فریادی عظیم برکشید و خویشتن از روزن به شارع درانداخت...» (تولگی، ۱۳۳۱) «هلاهل از دیدن این حال، تعقیب من بگذاشت و به مغز کردن هل پرداخت..» (همان: ۴۲) «هم از این روست که بر سر آن دشمنی کنند و لشکر کشند و خون‌ها ریزند و فتنه‌ها انگیزند و وفور این نعمت در خاک عجم بدان پایه است که به هر جا ثقبه‌ای زنند، تراود و گند کند و بوکشان دیگر بلاد را به مشام رسد و هوس ایشان برانگیزد و به خود کشد...» (همان: ۱۵)

در نمونه فوق از سعدی، یک ساختار نحوی عیناً یا بسیار مشابه تکرار شده و موجب فراهم شدن یک نوع توازن در ساختار کلی متن گردیده. «بر اساس گفته یاکوبسن در هر الگوی متوازن باید ضربی از تشابه و ضربی از تباین وجود داشته باشد، تا ارزش ادبی پیدا کند.» (صفوی، ۱۳۹۰) علاوه بر آن، استفاده از آرایه‌های کنایه، تکرار، جناس، طرد و عکس، صنعت متتابع و... در کنار بهره‌مندی از توازن نحوی باعث شده تا برونه و درونۀ زبان به صورت هم‌زمان زیبا گردد. هر چند نویسنده التفصیل در نقیضه‌پردازی توانسته بخشی از ظرافت‌های توازن نحوی کلام سعدی را در زبان خود منعکس نماید، اما اغلب درک درستی از این نوع زیبایی‌های درونۀ زبان سعدی نداشته و توازن‌های دل‌انگیز سعدی را به سجع تبدیل کرده است. از این‌رو، زیبایی‌های زبانی التفصیل به برونۀ زبان گرایش یافته؛ این نکته بلاغی تقلید ناپذیری کلام سعدی را نشان می‌دهد.

۴-۲-۳. حروف بلاغی و موسیقی زبان

از مؤلفه‌های دیگری که درونۀ زبان سعدی را زیبا کرده، استفاده بلاغی از حروف در ساختار جمله است که موجب ایجاد موسیقی زبان، لحن خاص و... شده و درونۀ زبان را جلا داده است. «گروهی این تنوع قوالب را باعث به وجود آمدن موسیقی خاصی در حکایات التفصیل می‌دانند». (پرهام، ۱۳۷۰)

نمونه کاربرد حرف «را» در گلستان: «فرآش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پیرورد. درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در بر گرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم کلاه بر سر نهاده...». (سعدی، ۱۳۸۱)

نمونه کاربرد حرف «را» در التفصیل: «... و اختلاس بر وزن اسکناس، اندر لغت سرقت را گویند و اخص آن سرقت دیوانیان است از خزانه، و در تسمیه این کلمه عقاید متفاوت است. زمره‌ای کتابت آن با «صاد» کرده و ریشه آن را «خلوص» دانسته‌اند و حجت ایشان این که مامور مختلس را ارادت و اخلاص چنان است که کیسه خویش از خزانه دیوان فرق نهد و جدایی در میانه نبیند. چنان که شاعر فرماید: گروهی دیگر اختلاس را از «اخلال حواس» گرفته و به همین علت مختلسین را از سیاست و مجازات معاف دانسته‌اند». (توکل، ۱۳۳۱)

هر چند ذات هنری تولگی توانسته بخشی از زیبایی‌های درونۀ زبان گلستان سعدی را در نثر التفصیل متجلی کند اما آمارها بیانگر آن است که وی درک درستی از این نوع زیبایی‌ها نداشته است. به عنوان مثال، در متن نمونه گلستان، حرف «را» به صورت متوازن دو مرتبه به صورت پی در پی در نقش حرف اضافه و دو مرتبه پی در پی در نقش مفعولی به کار رفته و موجب تقویت موسیقی نثر شده است. این توازن و استفاده موسیقایی از حروف در اغلب حکایت‌های گلستان به چشم می‌خورد اما در نمونه‌ای که از التفصیل ذکر شده، این کاربرد از نظم و توازن چندانی برخوردار نیست. همه این نکات بلاغی نشان می‌دهد که تولگی از زیبایی‌های درونۀ زبان گلستان چندان اطلاعی نداشته است. پس اگر تولگی در انعکاس زیبایی‌های درونۀ زبان چندان موفق نبوده، دلیل زیبایی‌های التفصیل چه چیزی می‌تواند باشد؟ در ادامه به بررسی برونۀ زبان التفصیل با تأکید بر گلستان سعدی

خواهیم پرداخت تا از این طریق بخش دیگری از زیبایی‌های زبانی این اثر را شناسایی کنیم. شاید موفقیت التفصیل در این بُعد از زبان باشد.

۳-۴. زیبایی‌شناسی التفصیل در برونه زبان با تأکید بر زیبایی‌های گلستان

با توجه به تعریف حق‌شناس می‌توان گفت؛ استفاده از علم بیان، بدیع لفظی، بدیع معنوی و تمام مؤلفه‌های حاضر در نثر که منجر به خلق ادبیت می‌شوند، زیبایی‌های برونه زبان هستند و استفاده از جای‌گردانی نحوی، چینش هنرمندانه کلمات و عناصر حاضر غایب که در ظاهر کلام حضور ندارند اما نقش زیبایی‌شناسانه عمیقی در متن ادبی ایفا می‌کنند، زیبایی‌های درونه زبان هستند. بنابراین توضیح، برای سنجش زیبایی‌های برونه زبان باید بسامد عناصر بدیعی و بیان را اندازه گرفت. نویسندگان این مقاله مجموعاً پانزده صنعت ادبی را در متن نمونه از کتاب التفصیل شناسایی کرده‌اند و به کمک آرایه‌های ادبی موجود در متن نمونه‌ای از گلستان، تحولات زیبایی‌شناسی برونه زبان را در دو کتاب مذکور بررسی نمود کرده‌اند.

جدول شماره ۲- مطالعه تطبیقی صناعات ادبی در گلستان و التفصیل (جامعه آماری ۶۰۰ کلمه از جدال مدعی با سعدی و حکایت هلایل توللی)

ردیف	نام آرایه ادبی	گلستان		التفصیل	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱	کنایه	۲۲	۳/۶	۱۹	۳/۲
۲	مجاز	۲۱	۳/۵	۱۹	۳/۲
۳	تنسیق الصفات	۵	.۸	۳	.۵
۴	جمع	۴	.۶	۳	.۵
۵	اغراق	۳	.۵	۸	۱/۳
۶	لف و نشر	۳	.۵	۱	.۲
۷	تضاد	۱۷	۲/۹	۵	.۸
۸	تشخیص	۴	.۷	۵	.۸
۹	واج‌آرایی	۹	۱/۵	۶	۱
۱۰	جناس و اشتقاق	۱۴	۲/۳	۸	۱/۳
۱۱	تشبیه	۱۴	۲/۳	۱۳	۲/۳
۱۲	استعاره	۴	.۷	۴	.۷

۱۳	سجع	۳۲	۵/۳	۱۸	۳
۱۴	تکرار	۱۴	۲/۳	۹	۱/۵
۱۵	صفت هنری	۱۳	۲	۴	۰/۷
۱۶	حس آمیزی	۱	۰/۲	-	-
۱۷	پاردوکسی	۱	۰/۲	-	-

آنچه که اهمیت زیبایی برونه زبان را دو چندان می کند، استفاده از علم بدیع، بیان و ورود تدریجی آن به حوزه علم معانی است. به عبارت دیگر، کاربرد صنایع ادبی در متون نثر فاخر با شم هنری نویسندگان به وادی علم معانی کشیده می شود. و زیبایی نثر را عمیق تر می کند. در زبان گلستان وقتی یک صنعت ادبی به کار برده می شود، رسالتش پایان نمی یابد بلکه تحوّل عظیمی در ساختار جمله و جمال شناسی متن ایجاد می کند. بدین طریق زیبایی ها از حوزه بیان و بدیع به حوزه معانی وارد می شوند. شاید به همین دلیل است که بخشی از زیبایی های زبان سعدی حاضر است و به چشم می آید، اما بخش اعظمی از زیبایی های زبانی از طریق تلفیق علوم ادبی به درونه زبان نفوذ می کند و به چشم نمی آید، اما هست. از این رو، اغلب مقلدینش در برونه زبان باز می مانند و ره به درونه زبانش نمی برند. آیا تولگی نیز چنین است؟ در ادامه، بسامد برخی از صنایع ادبی التفصیل را به کمک آمار به دست آمده، بررسی می کنیم تا بخش دیگری از زیبایی شناسی زبان طنز التفصیل تولگی با تأکید بر زیبایی های گلستان سعدی شناسایی گردد.

۴-۳-۱. زیبایی شناسی کنایه های التفصیل با تأکید بر زیبایی کنایات گلستان

در متون طنز یکی از ابزارهای مهم در انتقال مفاهیم انتقادی، کنایه ها هستند. کنایه یک عبارت ترکیبی است. آنچه که کنایه را در ساختار جمله بلیغ و فصیح می کند، معنی کلمات مفرد آن نیست. حتی معنای الفاظ و عبارت کنایی نیز چندان بر زیبایی کنایه ها اضافه نمی کند بلکه کنایه به جهت ساختار، تألیف، انسجام و ترکیب واژگان است که ارزش بلاغی پیدا می کند. در ادامه نوع زیبایی - های کنایات التفصیل را با توجه به زیبایی شناسی کنایات گلستان بررسی می کنیم.

نمونه ای از گلستان: «فلان عزم کرده است و نیت جزم که بقیت عمر معتکف نشیند و خاموشی گزیند. تو نیز اگر توانی، سر خویش گیر و راه مجانب پیش. گفتا به عزت عظیم و صحبت قدیم که دم بر نیارم و قدم بر ندارم مگر آن که سخن گفته شود به عادت مألوف و طریق معروف که آزردهن دوستان جهل است و کفارت یمین سهل. و

خلاف راه صواب است و نقض رای اولوالالباب: ذوالفقار علی در نیام و زبان سعدی در کام» (سعدی، ۱۳۸۱)

نمونه‌ای از کنایات التفصیل: «و دیگر از عراده‌های جهان، عرادهٔ ملی باشد که به غلطش ارادهٔ ملی خوانند و آن چنان است که ملت بی‌وقوف در آن نشانند و نادانسته‌اش از طریق خیانت به سر منزل استعمار برند و زبانش از کام در کشند و ایادی و رجلیش به رشتهٔ استعمار مقید دارند و طبل شکم چونان دوالپا از دسترنج وی بیاکنند...» (توللی، ۱۳۳۱)

زیبایی‌شناسی کنایات گلستان: در نمونهٔ اول، سعدی با سجع، جناس، کنایه، مراعات‌النظیر، تلمیح و... برونهٔ زبان را برجسته کرده و از طریق ایجاز، توازن نحوی، موسیقی زبان، جای‌گردانی نحوی و... درونۀ زبان را نیز زیبا و هنری نموده است. نکته‌ای که در بهره‌مندی سعدی از کنایه‌ها حائز اهمیت است، تلفیق زیبایی‌های برونه و درونۀ زبان در ساختار کنایات گلستان است. سعدی در متن بالا از چند کنایه استفاده کرده؛ به عنوان مثال؛ زبان در کام» یک کنایه است که علاوه بر ایجاد مراعات‌النظیر، سجع، تلمیح و... از طریق آن توازن نحوی دلنشینی نیز ایجاد کرده است. جملهٔ -های: «ذوالفقار علی در نیام و زبان سعدی در کام» از دو ساختار نحوی مشابه زیر تشکیل شده است:

ساختار جملهٔ اول:

ذوالفقار علی	در	نیام	باشد
مسندالیه +	حرف اضافه	مسند	فعل محذوف

* حرف تباین‌ساز - واو ربط *

ساختار جملهٔ دوم:

زبان سعدی	در	کام	باشد
مسندالیه	حرف اضافه	مسند	فعل محذوف

همان طوری که ملاحظه می‌شود، تکرار نقش‌های مشابه و حضور حرف تباین‌ساز «واو» موجب این توازن نحوی زیبا شده و کلام سعدی را هم در برونۀ زبان و هم در درونۀ زبان زیبا کرده است. سعدی از این ساختارهای متوازن در نثر گلستان بسیار دارد.

زیبایی‌شناسی کنایات التفصیل با تأکید بر گلستان سعدی: یکی از زیبایی‌های مورد توجه منتقدان التفصیل، کنایات آن است. «اشارات و کنایات التفصیل بیشتر و در پرده و رندانه بیان شده است». (بابا چاهی، ۱۳۶۴) حال به سراغ تحلیل کنایات نمونه ذکر شده می‌رویم و تا شباهت‌ها و تفاوت‌های التفصیل و گلستان را در نحوه استفاده از کنایات شناسایی کنیم. یکی از کنایه‌های متن فوق، زبان در کام کشیدن است. این عبارت کنایی علاوه بر انتقال مفهوم مجازی سکوت مردم در مقابل استعمارگران و حاکمان وقت و انتقاد از آن، زیبایی‌های زبانی دیگری نیز دارد که یکی از آنها هم‌نشینی زبان و کام با سر، ایادی، رچلین، شکم، پا و دست است که در کنار کنایه موجب مراعات النظیر شده و بر زیبایی کلام افزوده است. زیبایی دیگر این کنایه در ساختار زبان، سخن مسجعی است که کنایه زبان در کام کشند» با «برند و نشانند و خوانند و دارند و بیاکنند» ایجاد کرده است. این زیبایی‌شناسی‌ها در برونه زبان التفصیل بسیار خوش نشسته و موجب زیبایی نثر شده است اما به ساختارهای متوازن نحوی که زیبایی را به درونه زبان منتقل کند، توجه نشده است. اما سعدی در نثر گلستان علاوه بر این زیبایی‌های برونه زبان از طریق کنایات و سایر عناصر ادبی به زیبایی‌های درونه زبان از طریق ایجاز، حذف و توازن‌های نحوی نیز توجه دارد.

۳-۳-۴. جمال‌شناسی تشبیه در برونه زبان التفصیل با تأکید بر زیبایی‌های تشبیه در گلستان سعدی: تفکر حاکم بر زبان طنز تفکری مبتنی بر واقعیت‌های تلخ اجتماعی و سیاسی زمانه نویسنده است تا با مخاطبان خود ارتباط بهتری برقرار کند. هنرمند فرزند زمانه خویش است. وی در این حالت چگونه باید از تشبیه به عنوان یکی از امکانات ادبی بهره ببرد تا مفاهیم سیاسی - انتقادی را به مخاطبان خود منتقل کند؟ تصویرهای برخاسته از تشبیه حاصل کشف رابطه میان دو یا چند امر است که به ظاهر ارتباطی با هم ندارند. این ارتباط تنها در خیال نویسنده رخ می‌دهد تا واقعیت سومی خلق کند که نه اولی و نه دومی است بلکه واقعی است که از حوادث تلخ اجتماعی - سیاسی لبریز است. ابتدا چند تشبیه از گلستان نقل می‌شود؛ سپس به سراغ تشبیهات التفصیل می‌رویم تا تفاوت‌ها و شباهت‌های آنها را بهتر شناسایی کنیم.

نمونه‌های از گلستان سعدی: «باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده. پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد... فراش باد صبا... فرش زمردین... دایه ابر بهاری... بنات نبات... مهد زمین... قبای سبز ورق... اطفال شاخ... کلاه شکوفه...» (سعدی، ۱۳۸۱)

نمونه‌هایی از التفصیل: «اشکم چونان سیل خروشان بر پای ریخت... کاسه سرم همچون دیگ جوشان بجوشید» (تولگی، ۱۳۳۱)

زیبایی‌شناسی تشبیه در گلستان: تشبیهات گلستان دو تفاوت عمده با تشبیهات التفصیل دارد؛ نکته اول آن است که تشبیهات سعدی به دلیل ایجاز قصر و حذفی که گلستان دارد، اغلب از نوع اضافه تشبیهی است. نکته دوم آن است که سعدی در نثر خواهد به گونه‌ای از تشبیهات بهره برده که علاوه بر زیبایی‌هایی که خود تشبیه ایجاد می‌کند، در ساختار جمله نیز به نوازن نحوی، ایجاد ایجاز و... کمک کند. این نوع بهره‌مندی از تشبیه موجب شده تا هم‌زمان برونه و درونه زبان گلستان زیبا گردد. حال به سراغ تشبیهات التفصیل برویم و نقش آنها را در زیبایی‌های نثر تولگی بررسی کنیم.

تشبیه در نثر التفصیل چونان طبیعت انسان‌های زمانه خود به طبیعی‌ترین شکل ممکن اتفاق افتاده است. نه آنقدر زیاد است که بر اثر تکرار خاصیتش را از دست بدهد و نه آنقدر کم که نادیده گرفته شود. به گونه‌ای است که در متن برجستگی ایجاد می‌کند و سبب آشنایی زدایی می‌گردد. تولگی به دو صورت از تشبیه استفاده کرده است. بیشتر تشبیهات او مفصل هستند و گاهی نیز از اضافه تشبیهی بهره برده است. نکته حائز اهمیت در نوع تشبیهات التفصیل است که اغلب حسی هستند. تشبیهات حسی ساده‌ترین صورت خیالی تشبیه است که طبیعت را همان‌گونه که هست به نمایش می‌گذارد. این تکتة بلاغی به انتقال مفاهیم مدنظر نویسنده کمک زیادی می‌کند. با همین تشبیهات است که «تولگی برای هر پدیده‌ای و حادثه‌ای تابلوی رنگی و زنده را پیش روی خوانندگان قرار داده است» (خائفی، ۱۳۶۴)

در نثر التفصیل ادات تشبیه نیز کارکرد بلاغی بیش از ادات‌های معمولی دارند. تولگی اغلب با «چون، همچون، چنان و چونان» هجای کشیده تولید کرده و موسیقی نثر را با فضای متن هماهنگ می‌نمود و نوعی اغراق را نیز تداعی می‌کرد. اگر به این نمونه‌ها دقت شود، مطلب روشن‌تر خواهد شد: «طل اشکم چونان دوالپا..... به هنگام مشی چونان دل خائف از قفای قصب لرزیدن گیرد.... اشکم چونان سیل خروشان.... کاسه سرم همچون دیگ جوشان..... بر سان شیر...» (همان: ۸، ۲۳، ۳۶، ۴۱) همه این نکات بلاغی در ابلاغ مؤثر مفاهیم سیاسی-اجتماعی کارکرد بسیاری دارد.

۴-۳-۴. استفاده از صنعت جمع در التفصیل با تأکید بر زیبایی‌شناسی گلستان

یکی از ویژگی‌های زبان التفصیل، بسامد بالای صنعت جمع در حکایت‌های آن است. آنچه که باعث شده تا صنعت جمع مورد توجه این تحقیق قرار گیرد، تأثیر بسامد آن در برونه زبان این کتاب است. افزایش صنعت جمع موجب افزایش «واو» عطف شده و تأثیر مستقیمی در طولانی شدن جمله-ها دارد. همین نکته، موجب کم شدن قدرت درونۀ زبان در کتاب التفصیل شده است. تولگی با آوردن صنعت جمع و کاربرد فراوان واو عطف از زیبایی‌های درونۀ زبان گلستان فاصله گرفته و بیشتر به تزئین برونۀ زبان پرداخته است. در نمونه زیر این نکته مشهود است:

نمونه‌ای از نثر التفصیل: «قرتی را آن خود دو گونه است. نخست قرتیان مذکر که جامه بر تن پوشند و غازه به چهره زنند و جوانب ابروان به مدد مناقش برگیرند و زلفین به تصنع چین و شکن دهند و سبوت به تمامی بتراشند و به هنگام مشی اسافیل اعضای رقص وار بجنبانند و بر زمین و زمان منت فروشند و چون گاه محبت فرارسد، تمجمج-کنان لغاتی از لسان فرنگیان و تازیان در کلام آرند و ایاتی چند بی آن که خود معنی آن بدانند، بر طرف فرو خوانند و با غمزات و عشوات جان مخاطب رنجه دارند. دو دیگر قرتیان مؤنث باشند که اعرابشان قرتیه نامند. ایشان ابروان به تمامی بتراشند و ... جذام را قدرت اکل بدان پایه است که به سالی چند تسمه از گردۀ بیمار برکشند و گوشت و پوست و عروق و شرائین و عضلات وی به تمامی بخورد...» (تولگی، ۱۳۳۱)

حال نمونه فوق را با متن زیر مقایسه کنید تا بخش دیگری از تفاوت‌های زیبایی‌شناسی درونۀ و برونۀ زبان روشن گردد.

نمونه‌ای از نثر گلستان سعدی: «منت خدای را عزّ و جلّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت. هر نفسی که فرو می‌رود، ممد حیات است و چون برآید، مفرّح ذات. پس در هر نفسی دو نعمت موجود و بر هر نعمتی شکری واجب...» «باران نعمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده. پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد... فرّاش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پرورد...» (سعدی، ۱۳۸۱)

اگر گلستان را از آغاز تا انتها بخوانیم، بسامد حرف واو ربط بسیار و بسامد واو عطف بسیار اندک است. اما در زبان تولگی این نکته بلاغی برعکس شده است؛ یعنی واو عطف فراوان و واو ربط کم

است. یکی از دلایل بلاغی آن، به نوع استفاده از صنعت جمع و تنسيق الصفات بر می گردد. این همان نکته ظریفی است که تفاوت‌ها را در زیبایی‌شناسی برونه و درونۀ زبان رقم می‌زند. با این وجود باید اذهان کرد که زبان التفصیل در نقیضه‌پردازی از زیبایی‌های برونۀ زبان گلستان زیباست و همین نکته موجب شده تا مفاهیم و مقاصد سیاسی-اجتماعی‌اش به زیبایی در مخاطب نفوذ کند و زبان رسالتش را به زیبایی انجام دهد. مطالعه تطبیقی صنایع ادبی التفصیل ی گلستان نیز یافته‌های بالا را تأیید می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله برای رسیدن به هدف تحقیق، زیبایی‌های زبانی التفصیل با تأکید بر گلستان سعدی در دو گروه جداگانه برونه و درونۀ زبان مورد بررسی قرار گرفت که نتایج زیر به دست آمد:

الف. درونۀ زبان:

۱. یکی از مؤلفه‌های زیبایی‌های درونۀ زبان ایجاز است که در گلستان سعدی در حد اعلا تجلی یافته است. برای سنجش ایجاز‌های التفصیل با گلستان، دو حکایت آن با مقدار مشابه گلستان مقایسه گردید. نتایج نشان‌دهنده آن است که در گلستان هر جمله به طور متوسط از $\frac{3}{4}$ کلمه تشکیل شده است و جمله‌های التفصیل به طور متوسط $\frac{4}{8}$ کلمه دارد. بررسی حکایت‌های دیگر این دو کتاب بیانگر کوتاهی جمله‌های سعدی نسبت به جمله‌های تولکی است. ایجاز‌های گلستان بیشتر به صورت ایجاز قصر است. اما در التفصیل از آن بهره برده نشده است. علاوه بر ایجاز قصر در گلستان اغلب حذف‌ها در ساختار جمله به صورت قرینه معنوی است اما در التفصیل حذف‌ها بیشتر به قرینه لفظی است. نکته دیگری که موجب کوتاهی جمله‌های گلستان شده، نوع بهره‌مندی از حروف به ویژه حرف واو است. در گلستان اغلب از «واو ربط» استفاده شده؛ به همین دلیل جمله‌های کوتاه هنری بسآمد بالایی دارد ولی در التفصیل بیشتر از حرف واو به عنوان عطف استفاده شده که موجب طولانی شدن جمله‌ها شده است.

۲. نکته بلاغی دیگری که در حوزه درونۀ زبان به دست آمد، استفاده از توازن نحوی و آمیزش زیبایی‌های درونۀ و برونۀ زبان به کمک توازن‌ها در نثر گلستان است اما این ویژگی در التفصیل بسیار کم است و هر جا هم وجود دارد از شم زبانی و هنری نویسنده نشأت گرفته است. به همین دلیل تولکی درک درستی از زیبایی‌های درونۀ زبان سعدی در گلستان ندارد و در بیشتر مواقع توازن-های نحوی دل‌انگیز سعدی را به سجع تبدیل کرده است. همین نکته باعث شده از زیبایی‌های درونۀ زبان التفصیل کم شود. از مؤلفه‌های دیگری که درونۀ زبان سعدی را زیبا کرده، موسیقی نثر و

استفاده بلاغی از حروف در ساختار جمله است. توجه هنری به جایگاه کلمات و چینش هنری واژگان در ساختار جمله از نکات برجسته گلستان است که تولگی در این راه توفیق چندانی ندارد. به طور کلی مطالعه تطبیقی دو اثر نشان می‌دهد که نویسنده التفصیل در نقیضه پردازی کمتر به درونه زبان گلستان توجه کرده است.

ب- برونه زبان:

اگر علوم بدیعی و بیان را تقویت کننده زیبایی های برونه زبان بدانیم، در التفصیل پانزده مورد از این نوع عناصر شناسایی شده که برخی از آنها مثل: کنایه، صنعت جمع، تکرار، تشبیه نقش بسزایی در زیبایی های برونه زبان دارند. مقایسه آمارهای به دست آمده، نشان می‌دهد که تولگی در خلق زیبایی به لایه برونه زبان سعدی بیشتر نظر داشته است. از این رو، بسامد عناصر بدیعی و بیان التفصیل و گلستان، اغلب به هم نزدیک است اما نتایج نشان می‌دهد که تولگی از عناصری مانند کنایه فقط در زیبایی برونه زبان بهره برده و سعدی از طریق کنایات هم زمان برونه و درونه زبان گلستان را برجسته و هنری کرده است. تشبیه یکی دیگر از مؤلفه‌هایی است که برونه زبان گلستان و التفصیل را زیبا کرده است. با این وجود تشبیهات التفصیل بیشتر تشبیهات حسی و مفصل هستند که باعث طولانی شدن جمله‌ها شده است اما تشبیهات گلستان اغلب به صورت اضافه تشبیهی به کار رفته و موجب کوتاهی جمله‌ها شده است. یکی دیگر از مواردی که برونه زبان التفصیل را برجسته کرده، بهره‌مندی از صنعت جمع است. این مؤلفه موجب افزایش حروف عطف در جمله شده و بر طول جمله‌های التفصیل بیفزاید. در حالی که سعدی به جای استفاده از صنعت جمع و حرف عطف از حرف واو ربط بهره برده تا جمله‌های کوتاه تر و نثر موسیقایی تری تولید کند. به طور کلی التفصیل در نقیضه پردازی بیشتر به برونه زبان گلستان سعدی توجه نموده و از این حیث، این کتاب، اثری موفق به حساب می‌آید و راز ماندگاری اش در همین زیبایی های برونه زبان است.

تعارض منافع ندارم

ORCID

Gholamreza Salimi
Zahra Raf

<http://orcid.org/0000-0002-2380-8331>
<http://orcid.org/0000-0002-7957-962X>

منابع و مأخذ

- اخوان ثالث، مهدی. (۱۳۷۶). نقیضه و نقیضه سازان. تهران: انتشارات زمستان.
- بابا چاهی، علی. (۱۳۸۰). این بانگ دلاویز. تهران: نشر ثالث.
- باوندیان، علیرضا. (۱۳۸۸) «بررسی ماهیت و شیوه‌های طنز در فرهنگ مکتوب ایران». پنجمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی. صص ۶۳۵-۶۱۰.
- بهار، محمد تقی. (۱۳۸۱). سبک‌شناسی نشر. جلد دوم. تهران: انتشارات زوار.
- پرهام، مهدی. (۱۳۷۰). «التفصیل». آینده. سال ۱۷. شماره ۴-۱. صص ۲۳۸-۲۲۷.
- پور نامداریان، تقی، (۱۳۸۸)، در سایه آفتاب: شعر فارسی و ساخت شکنی در شعر مولوی، تهران: سخن.
- تولگی، فریدون. (۱۳۳۱) التفصیل. تهران: امیر کبیر.
- جرجانی، عبدالقاهر. (۱۳۶۸). دلایل الاعجاز فی القرآن. ترجمه محمد رادمنش. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- حق‌شناس، علی محمد. (۱۳۸۳). «آزادی و رهایی در زبان و ادبیات». «فصلنامه مطالعات و تحقیقات ادبی دانشگاه تربیت معلم». ش ۳ و ۴. پاییز و زمستان ۱۳۸۳. صص ۵۸-۳۹.
- خائفی، پرویز. (۱۳۶۴). «یادبودهایی از فریدون تولگی». آینده. سال ۱۱. شماره ۱۲ و ۱۱. صص ۸۰۶-۷۹۵.
- دستغیب، عبدالعلی. (۱۳۶۴). «فریدون و آثارش». «آینده». سال ۱۱. شماره ۱۲ و ۱۱. صص ۷۹۴-۷۸۶.
- زرین کوب، عبدالحسینک (۱۳۸۱). از چیزهای دیگر. تهران: سخن.
- سجودی، فرزنان. (۱۳۹۲). ساخت‌گرایی و پساساخت‌گرایی و مطالعات ادبی. (مجموعه مقالاتی از سوسور، بارت و...). تهران: سوره مهر.
- سعدی، مصلح‌الدین. (۱۳۸۱). گلستان. تصحیح و توضیح: غلامحسین یوسفی. تهران: انتشارات خوارزمی.
- شریعتی، علی. (۱۳۸۲) «عبرتی و عبارتی». چشم انداز ایران. شماره ۹. صص ۲۹-۳۲.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا. (۱۳۹۰). با چراغ و آئینه (در جستجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر). چاپ دوم. تهران: انتشارات سخن.
- شیرازی، احمد امین. (۱۳۷۷). آئین بلاغت. تهران: انتشارات فروغ قرآن.
- صفوی، کوروش. (۱۳۹۰). از زبان‌شناسی به ادبیات. چاپ سوم. تهران: انتشارات سوره مهر.
- عمارتی مقدم، داوود. (۱۳۸۷). «رده‌بندی صناعات بدیعی در سنت رتوریک و دستوری کلاسیک غرب». نقد ادبی. شماره ۳. صص ۱۰۸-۸۹.
- کروچه، بندتو. (۱۳۹۳). کلیات زیبایی‌شناسی. ترجمه فواد روحانی. چاپ دهم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- موسوی گرما رودی، سید علی. (۱۳۸۰). دگرخند. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

وثاقتی جلال، محسن. (۱۴۰۰). «جمال شناسی ضمائر تاریخ سیستان با تأکید بر قطب مجازی یا کوبسن». مجله دستوری و بلاغی. دوره ۱۱. شماره ۱۹. صص ۳۰۷-۳۳۲.
- وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۸۷). بدیع از دیدگاه زیبایی شناسی. تهران: انتشارات سمت.

References

- Akhavan Sales, Mehdi. (1997/1376SH). Nagize o Nagize sazan (Contradictions and Contradictory Makers). Tehran: Zemstan Publications.
- Baba Chahi, Ali. (2001SH/ 1380). In Bang e Delaniz (This is Delaware's call). Tehran: Sales Edition.
- Bavandian, Alireza (2009/1385SH) "Study of the nature and methods of humor in the written culture of Iran". Fifth Conference on Persian Language and Literature Research. Pp. 635-610.
- Bahar, Mohammad Taghi. (2002/1377SH). Sabk Shenāsi [The Development of Persian Language]. (2nd ed.), Tehran: Zavvar.
- Parham, Mehdi (1991/1370 SH). Al Tafasil (Details). Ayande. Year 17. No. 4-1. Pp. ۲۳۸-۲۲۷.
- Poor Namdarian, Taghi, (2009/1382 SH), Dar Saye e Aftab (In the Shadow of the Sun: Persian Poetry and Deconstruction in Rumi's Poetry), Tehran: Sokhan.
- Tanallali, Fereydoun. (1952/1331 SH) Al Tafasil. Tehran: Amir Kabir.
- Jurjani, A. (1989). Dala'il al-Ijaz. Trans Radmanesh, M. Mashhad: Astan Qods Razavi
- Haqshenas, Ali Mohammad (2004/1383 SH). "Freedom and Liberation in Language and Literature". "Journal of Literary Studies and Research, Tarbiat Moallem University". ش ۳ و ۴. Fall and Winter 2004. pp. 58-39.
- Khaifi, Parviz (1985/1364 SH). "Memoirs of Fereydoun Tavallali". Ayande. Year 11. Nos. 12 and 11. pp. 806-795.
- Dastgheib, Abdul Ali (1985/1364 SH). "Fereydoun and his works. "Ayande". Year 11. Nos. 12 and 11. pp. 794-786.
- Zarrinkoob, Abdul Hussein (2002/1381 SH). Az CHizha-e Digar (Of other things). Tehran: Sokhan.
- Sujudi, Farzan. (2013/1392 SH). Constructivism and poststructuralism and literary studies. (Collection of articles by Saussure, Bart, etc.). Tehran: Surah Mehr.
- Saadi, Mosleh al-Din. (2002/1381SH). Golestan. Correction and explanation: Gholam Hossein Yousefi. Tehran: Kharazmi Publications.
- Safavi, Cyrush. (2011/1390SH). "From linguistics to literature" (Az Zaban-shenāsi Be Adabiyāt). Tehran: Sürey-e Mehr
- Shariati, Ali (2003/1382 SH) "Ebrati 0 Ebarati (An example and phrase)". CHeshmandaze Iran (Iran perspective). No. 9. pp. 29-32.
- Shafi'i Kadkani, Mohammad Reza (1390SH/2011). Ba cherag o ayeine (With lights and mirrors. in search of the roots of the evolution of contemporary poetry. second edition. Tehran: Sokhan.
- Shirazi, Ahmad Amin (1377SH/۱۹۸۴). Ritual of rhetoric. Tehran: Forough Quran Publications

Emarati Mogaddam, Davood. (2008/1387 SH). "Classification of novel industries in the classical rhetorical and grammatical tradition of the West". *Literary Criticism*. No. 3. Pp.89-108.

Croce. Benedetto. (2014/ 1393 SH). *Generalities of Aesthetics*. Translated by Fouad Rouhani. The tenth edition. Tehran: Scientific and cultural publications.

Mousavi Garma Rudi, Seyed Ali. (2001/1380SH). *Degar khand (Another laugh)*. Tehran: Institute for the Study of Contemporary Iranian History. Vahidian Kamyar,

Taghi. (2008/1387 SH). *Innovative from an aesthetic point of view*. Tehran: Samat Publications

Vesaghati jalal, Mohsen. (1400SH/2021). "Aesthetics of Sistan historical pronouns with emphasis on Jacobsen's virtual pole". *Magazine of grammar and rhetoric*. Volume 11. Number 19. pp. 332-307.

In Press